

The Role of Substitutional Cohesive Ties in the Conceptualization of *Kufr*: A Hallidayan Analysis of Ayahs from Surah al-Baqarah

Zohre Nooraenia^a, Aliakbar Forati^{b*}

^a Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Civilization and World Studies, Yadegar-e- Imam Khomeini (RAH) Shahr-e-Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

^b Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Iran

KEYWORDS

Surah al-Baqarah, substitution, *kufr*, Michael Halliday, cohesion

Received: 05 August 2025;
Accepted: 02 November 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/paq.2025.2068114.4044

ABSTRACT

This study aims to deepen and expand the semantic–conceptual understanding of *kufr* and to elucidate the portrayal of disbelievers in the discourse of the Holy Qur’an. Adopting a descriptive–analytical approach and a qualitative methodology grounded in Halliday’s framework, the research examines and analyzes the concept of *kufr* in the ayahs of Surah al-Baqarah, with particular attention to its thematic centrality, through the lens of Halliday’s cohesion theory. From this perspective, various components function as cohesive elements that contribute to the overall unity of the text. Among these components, substitution emerges as one of the most effective devices in enhancing both the internal and external semantic cohesion of the discourse. The findings indicate that substitution ties at the clausal and the verbal levels play the most and the least significant roles, respectively, in creating and expanding semantic coherence aligned with the central objective of Surah al-Baqarah—namely, explicating the flow of divine guidance, discouraging innovation, and rejecting selective or partial engagement with the calls of divine prophets and heavenly scriptures. Consequently, these substitutional links elevate the semantic depth of the examined ayahs in relation to the conceptualization of *kufr* in Surah al-Baqarah. Moreover, they reveal a continuous, coherent, and decisive divine discourse on *kufr* and the confrontational stance of disbelievers toward the process of divine guidance.

* Corresponding author.

E-mail address: a.forati@ut.ac.ir





کارکرد پیوندهای انسجامی جانشینی در مفهوم‌شناسی "کفر" با تکیه بر آیات سوره بقره و با استفاده از نظریه مایکل هالیدی

زهرة نورائی‌نیالف^۱، علی‌اکبر فراتی^{۲*}

^{الف} استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده تمدن و مطالعات جهان، واحد یادگار امام خمینی (ره)، شهر ری، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران، z.noorae@iau.ac.ir

^ب دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، a.forati@ut.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
سوره بقره، جانشینی، کفر، مایکل هالیدی، انسجام	پژوهش حاضر که با هدف تعمیق و گسترش سطح دلالتی-مفهومی "کفر" و تبیین توصیف کافران در گفتمان قرآن کریم، به شیوه توصیفی-تحلیلی و به روش کیفی مبتنی بر روش‌شناسی هالیدی انجام شده در پی آن بوده تا مفهوم کفر را در آیات سوره بقره با توجه به محوریت موضوعی آن، بر محک نظریه انسجام هالیدی مورد واکاوی و تحلیل قرار دهد. براساس این دیدگاه مؤلفه‌های گوناگونی عامل هم‌پیوندی و انسجام متن می‌شوند. در این میان پیوند جانشینی یکی از عوامل موثر در انسجام‌بخشی به دلالت‌های درونی و بیرونی متن است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پیوندهای جانشینی از نوع جمله‌ای و فعلی به ترتیب بیشترین و کمترین نقش را در خلق و گسترش انسجام معنایی هم‌راستا با هدف محوری سوره بقره، که تبیین جریان هدایت الهی و پرهیز از بدعت‌گذاری و عدم برخورد گزینشی در مواجهه با دعوت انبیاء الهی و کتاب‌های آسمانی است، در آیات مورد نظر برعهده داشته و در نتیجه سطح دلالتی این آیات را در باب مفهوم‌شناسی کفر در سوره بقره افزایش داده است؛ ضمن آنکه توانسته تا دلالت پیوسته، منسجم و قاطعی از گفتمان خداوند در باب کفر و رویکرد تقابلی اهل کفر در مواجهه با جریان هدایت الهی را به‌نمایش بگذارد.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۱۴	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱	
مقاله علمی پژوهشی	

۱. مقدمه

هدف راستین نزول قرآن کریم و بعثت پیامبر اسلام (ص) هدایت انسان‌ها و اکمال و اتمام جریان نبوت بوده؛ از این رو تبیین مفهوم کفر نیز به‌عنوان جریان تقابلی هدایت الهی در سراسر قرآن و به‌ویژه در سوره بقره در دستور کار خداوند قرار داشته است. در این سوره، که هدف اصلی آن را این مسئله دانسته‌اند که "انسان باید به همه آنچه خدا به‌وسیله پیامبرانش نازل کرده است ایمان بیاورد و تفاوتی میان رسولان او قایل نشود" (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۴۳)، مرز ایمان و بی‌ایمانی از سوی خداوند به وضوح ترسیم شده و خداوند وجه تقابلی ایمان را در الفاظ و مفاهیم حوزه معنایی کفر و فروع آن تبیین نموده است. موضوعی که بررسی آن به مدد استفاده از روش‌های مبتنی بر رویکردهای زبان‌شناختی

* نویسنده مسئول

می‌تواند منظرهای تازه‌ای را در شناخت مفاهیم و اندیشه‌های قرآن کریم پیش روی مخاطبان و پژوهشگران حوزه مطالعات قرآنی قرار دهد. از جمله روش‌های قابل توجه در واکاوی و بازجست مفاهیم قرآنی استفاده از نظریه مایکل هیلیدی و رقیه حسن است که با عنوان دستور نظام‌مند نقش‌گرا شناخته می‌شود.

براساس الگوی هیلیدی ساختار متن از وجوه گوناگون واکاوی و بررسی می‌شود. یکی از موضوعات قابل توجه در این نظریه بحث انسجام و پیوستگی متن است که هیلیدی آن را زیرمجموعه عوامل غیرساختاری از سومین و گسترده‌ترین لایه دستور نقش‌گرای خود "تحت عنوان نظام واژی-دستوری" قرار داده است (نک نیازی و قاسمی‌اصل، ۱۳۹۷: ۲۸)؛ یکی از مهمترین عوامل خلق انسجام معنایی در متن، پیوند جانیشینی است که کاربست آن در انواعی از جمله و واژگان اسمی و فعلی زمینه‌ساز پیوستگی و انسجام معنایی متن می‌شود. یکی از موضوعات مهم در معناشناسی آیات قرآن کریم نیز توجه به انسجام و پیوستگی معنایی آیات است. موضوعی که از دیرباز در ذهن پژوهشگران حوزه قرآن و نیز بلاغیون سنتی مطرح بوده و مبین این حقیقت است که انسجام معنایی از درون توجه به ساختار نظام زبانی قرآن به وجود می‌آید. از این رو اهتمام در تعمیق دلالت‌های معنایی-زبانی قرآن امری ضروری است تا شاید از این رهگذر روزه‌های بیشتری در شناخت و دریافت مفاهیم وحی الهی گشوده شود.

براین اساس و با توجه به اینکه حوزه مورد بررسی در این پژوهش، آیاتی با محوریت موضوعی کفر در سوره بقره است و نیز این سوره به عنوان اولین سوره مدنی و بزرگترین سوره قرآن و دومین آن در ترتیب مصحف کریم شناخته می‌شود و با توجه به موضوع محوری سوره که نزول آن را وابسته و مرتبط به تالیف و تدوین جامعه ایمانی عصر آغازین اسلام ساخته است، پاسخ به این پرسش‌ها ضروری است که اولاً آیات مورد نظر از چه انواعی از پیوندهای انسجامی جانیشینی برخوردار هستند و این عناصر با توجه به زمینه‌های موقعیتی و متنی متنوع سوره بقره چگونه توانسته‌اند زنجیره متصل و درعین حال گسترده‌ای از دلالت‌های معنایی را در ارتباط با موضوع محوری سوره در آن به وجود آورند و سرانجام کاربست الگوی هیلیدی تا چه حد می‌تواند در افزایش سطح معناشناختی این آیات موثر باشد.

روش پژوهش حاضر که با هدف تبیین گفتمان الهی قرآن در مفهوم‌شناسی کفر و نیز دستیابی به سطح گسترده‌تری از انسجام معنایی در آیات مورد مطالعه از سوره بقره انجام شده، کیفی مبتنی بر روش‌شناسی هیلیدی است که نویسندگان کوشیده‌اند به شیوه توصیفی-تحلیلی و با تطبیق مدل انسجامی او به بازکاوی و تحلیل پیوندهای جانیشینی در این سوره بپردازند.

۱.۱. پیشینه پژوهش

درباره سوره بقره پژوهش‌های فراوانی از وجوه گوناگون انجام شده است؛ در این میان پژوهش‌هایی نیز به طور خاص در حوزه مفهومی-واژگانی کفر انجام گرفته چون: "بررسی معناشناختی واژه کفر در قرآن کریم" (۱۳۸۱) نوشته حسن خودروان که در آن به اجمال به تضاد معنایی کفر و ایمان پرداخته است؛ دیگر مقاله‌ای با عنوان "بررسی زبان‌شناختی واژه قرآنی کفر" از آذرتاش آذرنوش و مریم قاسم احمد (۱۳۹۰) که در آن نگارندگان از منظر ریشه‌شناسی به بررسی واژه کفر پرداخته‌اند. دیگر "معنی‌شناسی تاریخی واژه کفر از کاربست جاهلی تا تضمین نحوی در قرآن" (۱۳۹۵) نوشته ناصر قره‌خانی و همکاران که در آن به بررسی معنای واژه کفر با تکیه بر اشعار جاهلی پرداخته شده؛ در مقاله دیگری نیز با

عنوان "بررسی تحول معناشناسی تاریخی واژه کفر در قرآن" (۱۴۰۰) نوشته عباسعلی رستمی‌ثانی، نویسنده واژه کفر را از منظر فقه، کلام و در ارتباط با الفاظی چون شرک، الحاد، ارتداد و نفاق بررسی کرده است؛ همچنین در این باره می‌توان به درس گفتارهایی از علامه محمدتقی مصباح یزدی اشاره کرد چون "تقابل ایمان و کفر" که در آن به اختصار به مقایسه کفر با ایمان و بیان درجاتی از معنای کافر پرداخته شده؛ و نیز "درجات ایمان و کفر" که در آن نیز به اختصار موضوعاتی چون بدعت‌گذاری و نیز گرفتاری‌های نفسانی را از عوامل سوق انسان مومن به جانب کفر دانسته‌اند؛ جستجوهای نشان می‌دهد که در حوزه تحقیق حاضر پژوهش‌های اندکی در حوزه مطالعات قرآنی انجام شده چون: "بررسی مقوله جانشینی به‌عنوان عنصری کم‌کوشانه در قرآن کریم" (۱۳۹۶) از امیرحسین رسول‌نیا و صدیقه جعفری‌نژاد که در آن به بررسی عنصر جانشینی در سطوح آوایی، دستوری، واژگانی و بلاغی ده جزء پایانی قرآن پرداخته‌اند؛ و نیز "بررسی کارکرد ابزار زبانی (جانشینی) در سوره مبارکه "النحل" از دیدگاه نظریه انسجام متن مایکل هالیدی و رقیه حسن" (۱۴۰۲) نوشته سید ابوالفضل سجادی و همکاران که در آن نویسندگان به بررسی پیوندهای جانشینی در سه گروه جمله‌ای، اسمی و فعلی در آیات سوره نحل پرداخته‌اند، و نیز "کارکردهای بلاغی و انسجام‌آفرینی جانشین‌های اشاره‌ای در سوره مبارکه "حج" و ترجمه‌های آن از فولادوند، خرمشاهی و محدث دهلوی" (۱۳۹۸) نوشته ابراهیم اناری بژچلوئی و دیگران که در آن نویسندگان به جانشینی اسم‌های اشاره در سوره حج و چگونگی بازگرداندن آن‌ها در ترجمه‌های مذکور پرداخته‌اند؛ مقاله‌ای نیز با عنوان "پیوستگی مفهومی در سوره بقره با تکیه بر مفاهیم نبوت و مخالفان حق" (۱۳۹۷) از مهدی اسماعیلی و طاهره نوباغی منتشر شده است که در آن نویسندگان بدون استفاده از روش‌های زبان‌شناختی تنها به توصیف تعامل مشرکان عرب، منافقان و بنی‌اسرائیل با دعوت الهی اسلام پرداخته‌اند. از این رو پژوهش حاضر می‌تواند نخستین پژوهشی باشد که با استفاده از الگوی هالیدی و با تمرکز بر مفهوم‌شناسی کفر پیوندهای جانشینی را در آیات سوره بقره بررسی می‌کند.

۲. مفاهیم نظری

۲.۱. توصیف تجربی-واژگانی مفهوم کفر در سوره بقره

تحلیل ارزش‌های تجربی واژگان به‌عنوان یکی از وجوه تحلیل متن در گفتمان‌شناسی متون مبتنی بر این موضوع است که "چگونه تفاوت‌های ایدئولوژیک بین متون در بازنمایی‌های مختلفی که از جهان ارائه می‌دهند در واژگان آن‌ها رمزگذاری می‌شود" (فرکلاف، ۱۳۹۹: ۱۵۴). از این منظر (کفر) یکی از مفاهیم مهم و پیچیده و نیز دالی محوری در قطب اندیشگانی قرآن است که بررسی ابعاد گوناگون آن از رهگذر تحلیل همه‌جانبه آیات قرآن ممکن می‌گردد. ایزوتسو معتقد است در قرآن هر کلمه در معنای اولیه و ساده خود، هرگاه در درون نظام خاصی قرار بگیرد دسته‌ای از عناصر تازه معنی‌شناختی پیدا می‌کند که همه برخاسته از این وضع خاص کلمه و نیز روابط و نسبت‌ها و پیوستگی‌های آن با دیگر تصورها و مفاهیم این نظام است (۱۳۶۱: ۱۴).

در قرآن لفظ کفر با شبکه گسترده مفهومی-واژگانی اش بیشترین کاربرد را در تقابل با مفهوم ایمان یافته است. معنی اصلی کفر ستر و اغطیة و بزرگترین درجه کفر انکار و بی‌اعتنایی به حقیقت الهی است (مصطفوی، ۱۳۹۳: ۸۷) از این رو کافر را کافر می‌نامند زیرا نعمت‌های الهی را نادیده می‌گیرد (جوهری، ۱۳۹۹: ۸۰۷). خداوند در آیات بسیاری از قرآن به توصیف وجوه گوناگون این مفهوم و به‌تبع آن شاخص‌های اهل کفر پرداخته است؛ از جمله در سوره بقره که در عین حال

اولین اشارات به کافران در آنجا آمده است. در این آیات کافران کسانی هستند که به انذارهای الهی بی‌اعتنایی می‌کنند؛ از این رو انذار و عدم انذار آن‌ها یکی است؛ چرا که در هر حال ایمان نمی‌آورند؛ و آن بدین سبب است که خداوند بر قلب‌های آن‌ها مهر زده و بر گوش‌ها و چشم‌هایشان پرده‌ای است که راه را بر هر اندازی می‌بندد (بقره: ۷۶). در قرآن کفر نیز همچون ایمان مراتبی دارد؛ امام صادق (ع) این مراتب را در پنج نوع برشمرده‌اند: کفر جحود و انکار ربوبیت خدا؛ کفر جحود همراه با معرفت؛ کفر کفران نعمت؛ کفر در معنای ترک دستورات خداوند و در آخر کفر برائت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲-۹۲). بر مبنای این تعاریف، کفر جحود یا انکار، صفت کافری است که هیچ اعتقادی به خدا و دوزخ و بهشت ندارد و خداوند در آیات بسیاری از جمله آیه ۲۸ بقره آن‌ها را از چنین تفکری برحذر داشته است. کفر جحود همراه با معرفت، صفت کافری است که آگاهانه به انکار حق می‌پردازد؛ در سوره بقره منافقان و کافران از اهل کتاب در این گروه جای می‌گیرند چون آیه ۸۹، در توصیف گروهی از اهل کتاب که خداوند از فعل "یعلمون" در بیان انکار خودآگاه آن‌ها استفاده کرده است. آیه ۱۵۲ نمونه کفر در معنای کفران نعمت است و چهارمین وجه کفر در معنای ترک دستورات الهی است که مصادیق متعددی در سوره بقره دارد از جمله آیه ۳۴ که در آن خداوند ابلیس را به سبب نافرمانی، کافر نامیده و نیز آیه ۸۵ که در یادآوری اوامر و نواهی خداوند به بنی اسرائیل و یادآوری نقض پیمان و تعهدات آن‌هاست. در قرآن هرگونه نافرمانی اگرچه از سوی اهل ایمان باشد آن‌ها را به ورطه کفر می‌کشاند چون در آیه ۱۰۴ که سرپیچی اهل ایمان از رعایت ادب سخن گفتن با پیامبر اسلام (ص) آن‌ها را در زمره کافران قرار می‌دهد. آخرین وجه کفر در تعریف امام صادق (ع) برائت است که در سوره بقره مصادقی از این دست دیده نمی‌شود.

۲.۲. زبان‌شناسی نقش‌گرا

مطالعات زبان‌شناسی نوین با فردینان دوسوسور (۱۹۱۳-۱۸۵۷) و زبان‌شناسی ساختگرایی او شروع شد. پس از سوسور رویکردهای گوناگونی در زبان‌شناسی پدیدار شدند که گاه در تایید و گاه در تقابل با رویکردهای پیشین بودند. چنانکه در دهه‌های اخیر در تقابل با اندیشه‌های نوام چامسکی، که از نیمه قرن بیستم "سمت و سوی تحولات زبان‌شناسی را تغییر" داد (مهند، ۱۴۰۳: ۴۳)، رویکردهای تازه‌ای در زبان‌شناسی ظهور کرد که مهمترین و برجسته‌ترین آن زبان‌شناسی نقش‌گرای مایکل هلییدی^۱ (۱۹۹۴-۱۹۸۵) بود. هلییدی نظریه خود را براساس آراء زبان‌شناسان نقش‌گرای مکتب لندن و پراگ و نیز متأثر از نظرات فرث^۲ (۱۹۶۰-۱۸۹۰) شکل داده است (نک همان: ۱۳۶). در این دیدگاه مطالعه زبان متمرکز است بر "کارکردهای اجتماعی که مشخص می‌کند زبان چگونه است و چگونه تغییر کرده است" (هلییدی و حسن، ۱۳۹۵: ۳۷). تغییرپذیری زبان تعبیر دیگری از زنده بودن و پویایی زبان است؛ چنانکه صفوی زبان را به‌مثابه موجود زنده‌ای می‌داند که زنده بودن آن مستلزم تغییراتی است که بر حسب شرایط حاکم بر زبان به‌عنوان ابزار ایجاد ارتباط انسان‌ها صورت می‌پذیرد (نک ۱۳۸۲: ۳۵). در این رویکرد، معنی-که هالییدی از آن به نقش تعبیر می‌کند- به خط مقدم توصیف‌های دستوری آورده می‌شود (گروم و لیتل مور، ۱۳۹۳: ۳۰)؛ به‌عبارت دیگر در این مدل تمرکز "بیشتر بر نقشی است که یک لفظ ایفا می‌کند تا صورت آن (هموند، ۱۴۰۰: ۶۹). هلییدی زبان را "نظام یا شبکه‌ای

¹ M.A.K.Halliday

² J.R.Firth

از معناهای مختلف" (نیازی و قاسمی اصل، ۱۴۰۲: ۱۳) می‌داند که در آن "دانش (فرانقش اندیشگانی) از طریق ارتباطات (فرانقش بینافردی) در بافت‌های اجتماعی انتقال می‌یابد و واژه‌هایی که در این بافت‌ها مبادله می‌شوند معانی خود را از فعالیت‌هایی می‌گیرند که درون آن‌ها قرار گرفته‌اند (هلیدی و حسن، ۱۳۹۵: ۴۰) این فرانقش‌ها که حضوری هم‌زمان در متن دارند عبارت‌اند از فرانقش اندیشگانی که "محتوای گزاره‌ای متن و تجربه‌گوینده از جهان است (هموند، ۱۴۰۰: ۷۱) و خود شامل دو فرانقش منطقی و تجربی است. در فرانقش بینافردی زبان "روشی از کنش" یا "به‌مثابه عمل است" و در فرایندی از تعامل اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (هلیدی و حسن، ۱۳۹۵: ۷۰-۷۱) و سرانجام فرانقش متنی، آفرینش متن‌های نوشتاری و گفتاری (هموند، ۱۴۰۰: ۷۱) و براینده تعامل دو فرانقش اندیشگانی و بینافردی و جایگاه سازماندهی پیام‌های متن و به عبارتی خلق گفتمان است. "در این فرانقش بند به‌عنوان واحد سازنده متن در نظر گرفته می‌شود (نیازی و قاسمی اصل، ۱۴۰۲: ۲۴) و زبان میان خود و بافتی که در آن جاری است پل می‌زند تا به تناسب آن بافت، متن‌آفرینی کند (همان).

۳.۲. انسجام

انسجام (Cohesion) که در عربی از ریشه سجم در معانی چون: تناسب؛ همخوانی؛ هماهنگی و سازگاری آمده (آذرنوش، ۱۳۹۰: ۴۳۸ و سیاح، ۱۳۷۰: ۶۱۲) یکی از اصطلاحات زبان‌شناسی جدید است؛ چنان‌که فرکلاف آن را یکی از ویژگی‌های صوری متن در سطح توصیف برشمرده که متن را در سطحی "فراتر از جمله" بررسی می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۷: ۶۴) زبان‌شناسان انسجام را مجموعه‌ای از روابط و پیوندسازهای معنایی توصیف می‌کنند "که به کلام یکپارچگی و وحدت می‌بخشد و و آن را به‌مثابه یک متن از مجموعه جملات نامربوط جدا می‌سازد" (نبوی، ۱۳۷۶: ۶۳). این اصطلاح همچنین عنوان نظریه‌ای است که مایکل هلیدی و رقیه حسن در سال ۱۹۷۶م در کتابی به نام (Cohesion in English) مطرح کردند. در این دیدگاه با وجود اینکه تمایز میان متن و مجموعه‌ای از جملات نامرتبب امری نسبی است اما همواره ویژگی‌هایی وجود دارند که شناسایی متن را از غیر متن برای ما امکان‌پذیر می‌سازند (شریفه، ۲۰۱۱: ۲۱۰). هلیدی انسجام را به مناسبات معنایی میان عناصر متن اطلاق می‌کند" که به‌واسطه عمل آن‌ها تعبیر برخی از عناصر متن امکان‌پذیر می‌شود" (نیازی و قاسمی اصل، ۱۴۰۲: ۱۶). این عناصر که گاه به تنهایی و گاه با یگدیگر موجب تحقق انسجام در متن می‌شوند، نشان می‌دهند "جملات چگونه به هم پیوند خورده‌اند و با هم ارتباط پیدا کرده‌اند و در نتیجه متن تشکیل داده‌اند" (یارمحمدی، ۱۳۹۵: ۴۰) به‌تعبیری دیگر "واژه‌ها یا عباراتی هستند که نویسنده/گوینده را قادر می‌سازند تا روابطی را در میان مرزبندی جمله یا پاره‌گفتار برقرار کند و به او کمک می‌کنند تا اجزای متفاوت متن را با هم مرتبط سازد (شعیری و دیگران، ۱۴۰۲: ۴۸).

۴.۲. جانشینی

جانشینی (substitution) "شکلی از انسجام متنی است که در سطح دستوری-واژگانی، بین کلمات یا عبارات صورت می‌گیرد" (بوقره، ۲۰۰۹: ۸۳). جانشینی می‌تواند شامل حوزه‌ای غیر از حوزه ضمائر و ابزارها چون روابط مفهومی باشد، مانند: ایده کلی و ویژگی بین زیربخش‌ها، فرامتن‌ها و روابط علت و معلولی" (عاصم شحاده، ۲۰۰۹: ۳۶۲). یکی از اهداف کاربست پیوندهای جانشینی در متن ایجاد اقتصاد زبانی است؛ "به این معنا که سخن‌گویان زبان سعی می‌کنند از ساده‌ترین راه کمترین کوشش را برای تولید و و درک زبان بکنند" (سجادی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۱۸) به

نقل از نیومایر^۳؛ جانشینی تمهیدی پیوندی است؛ منظور از پیوند در اینجا همان گره انسجامی است که هلییدی آن را مهمترین مفهوم در بافتار متن معرفی می‌کند (نک هلییدی و حسن، ۱۳۹۵: ۱۷۴-۱۷۹). پیوندهای جانشینی در سه سطح جانشین جمله‌ای (Clausal Substitution)، جانشین اسمی (Nominal Substitution) و جانشین فعلی (Verbal Substitution) در متن تعامل کرده و به ترتیب جایگزین کل یک جمله، گروه اسمی و گروه فعلی می‌شوند (نک خطابی، ۱۹۹۱: ۲۰).

۳. یافته‌های پژوهش: پیوندهای جانشینی در مفهوم‌سازی از کفر در سوره بقره

در اغلب آیات مورد بررسی پیوندهای انسجامی-جانشینی در صورت‌های آمیخته‌ای از: جمله؛ جمله‌واره؛ ترکیب‌های وصفی؛ واژگان اسمی و فعلی به کار رفته‌اند، این پیوندها گاه در قالب تعابیری بلاغی در انواعی از استعاره، کنایه و تمثیل بروز یافته و در مجموع عامل انسجام معنایی و پیوستگی درون و برون‌متنی آیات شده‌اند. از آنجا که موضوع پژوهش حاضر بررسی تعامل پیوندهای جانشینی با هدف دستیابی به انسجام معنایی در آیات مورد مطالعه است، دسته‌بندی آن‌ها با توجه به نوع پیوندهای به کار رفته در هر آیه انجام شده است.

۱.۳. جانشین‌های جمله‌ای

۱.۱.۳. در آیه ۴۱ فرایند فعلی (لاتشترُوا) در بند (وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي) به قیاس شباهت کاربردی آن با آیه ۱۶ بقره، تعبیری محسوس از لفظ مقدر (ولاتكفروا) است و جانشین جمله طلبی (وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرِيه) شده است، بنابراین گره یا پیوند انسجامی متشکل از دو جمله طلبی (وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي) و (وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرِيه) است که به جهت هم‌آیی (لَاتَشْتَرُوا) با (تَمَنَّا قَلِيلًا) این مفهوم را که کفرورزیدن به آیات الهی عملی زیانبار است به‌عنوان معنایی واحد و پیوسته برجسته می‌سازد و موجب انسجام معنایی در دو آیه مذکور می‌شود. خطاب خداوند در این آیه به کافران اهل کتاب است و از آن‌ها می‌خواهد که آغازگر کفر به قرآن نباشند (نک طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/۲۲۸).

۲.۱.۳. در آیه ۱۹ که بیانی تمثیلی از گمراهی و ضلالت اهل نفاق است، این گروه به جهت رفتار منافقانه‌شان از سوی پروردگار کافر خوانده شده‌اند (والله محیط بالكافرين)؛ در این آیه لفظ کافرین به سبب احتوای معنایی بر ضمیر (هُم) در (اصابعهم) و (اذانهم) که آن نیز در فرایند هم‌ارجاعی و در زنجیره‌ای از عناصر انسجام معنایی به لفظ (مَنْ) در آیه ۸ و در اشاره به منافقان می‌رسد، جانشین بندهای (مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ) در آیه مذکور شده و در نتیجه سیر معنایی نفاق را گسترانده است. کاربرد لفظ (کافرین) با معنای فراگیرنده آن مبین گزاره ضمنی "منافقان کافراند" است به این معنا که خداوند کسانی را که رسالت پیامبر اسلام (ص) و آیات الهی قرآن را انکار می‌کنند و در احتجاج با پروردگار و پیامبرش راست‌گفتار نیستند کافر می‌داند.

۳.۱.۳. منطق کلامی مستتر در آیه ۳۹ مبین آن است که تکذیب‌کنندگان آیات الهی کافرند و سرانجام کافران عذابی جاودانه است؛ در این آیه عنصر انسجامی (اولئك) جانشین بندهای (الَّذِينَ كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا) شده تا میان دو مفهوم هم‌پایه کفر و کذب، و جاودانگی کافران در عذاب دوزخ پیوستگی معنایی ایجاد کند. ضمن آنکه هم‌پایگی (كَفَرُوا وَ كَذَّبُوا)

³ Newmeyer

دلالت معنایی کذب را در معنایی مقوم انکار، به جانب کفر امتداد داده و موجب هم‌معنایی این دو مفهوم شده است.
۴.۱.۳. در آیه ۹۸ لفظ (کافرین) به‌قرینه خبر مقدر و محذوف (کافر) در بندهای (مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ) جانشین همه این گروه از کافران شده است. هم‌پایگی الفاظ الله، ملائکة، رسل، جبریل و میکال که ایمان به آن‌ها از مصادیق هدایت الهی است، الفاکر این معناست که شرط پذیرش ایمان، باورداشتن همه این موارد است و نه انتخابی‌گزینشی از میان آن‌ها و نیز فصل خطابی است از سوی خداوند در شمول معنایی کفر در همه مصادق‌های یاد شده در آیه.

۵.۱.۳. آیه ۱۰۴ در توصیه به اهل ایمان در رعایت مقام پیامبر اسلام (ص) و دوری‌جستن از رفتار منافقانه یهود نازل شده است. در این آیه لفظ (کافرین) در پایان آیه پیوندی انسجامی، شمول معنا و جایگزین همه کسانی است که از امر الهی در این باره سرپیچی کنند.

۶.۱.۳. در آیه ۱۲۱ که مبین رویکرد تقابلی اهل ایمان و کفر به آیات الهی (قرآن) است، عنصر انسجامی (أُولَئِكَ) یکبار به‌قرینه لفظ (يُؤْمِنُونَ) جانشین اهل ایمان در (الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ) و بار دیگر جانشین (مَنْ يَكْفُرْ) شده است؛ ضمن آنکه آغازگری آن در بند پایانی آیه اطلاع تازه‌ای در باب زینکاری اهل کفر نیز صادر کرده و در نتیجه دلالت معنایی کفر را گسترش داده است. "اطلاع یا دانستگی"^۴ یکی از اصطلاحات نظریه انسجام‌هلیدی و شامل دو نوع آشنا/دانسته و ناآشنا/نو است؛ "اطلاعات نو، اطلاعاتی کانونی هستند از این حیث که گوینده طوری آن را عرضه می‌کند که گویا از کلام قبلی باز یافت‌شدنی نیست" (نیازی و قاسمی اصل، ۱۴۰۲: ۸۹). "اطلاع کهنه و نو به‌ترتیب معمولاً در ابتدا و در انتهای متن می‌آید (نک هوپ و رایت، ۱۳۹۶: ۹۹).

۷.۱.۳. در آیه ۱۶۱ عنصر انسجامی (اولئک) در پیوندی درون‌متنی جانشین بندهای (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا) شده که در عین حال اطلاع‌نویی درباره این گروه از کافران است.

۸.۱.۳. در آیه ۱۷۱ تمثیل (مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً) بیانی تفصیلی است جهت تصویرسازی از عدم ادراک کافران از حقیقت هدایت الهی. کلمه ینعق از نعیق به معنای فریادی است که چوپان برای راندن و بازداشتن گوسفندان می‌زند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۳۵/۱). در این آیه (صم، بکم، عمی) همگی خبرهای مبتدای محذوف و مقدر (هَم) هستند در ارجاع به کافران که در عین حال جانشین ابعاد گوناگون مفهوم کفر در بیان تمثیلی خداوند و از عناصر پیوستگی متن آیه و انسجام‌بخش معنای آن به‌شمار می‌روند. یکی از عوامل مهم انسجام درون‌متنی عنصر ارجاعی (هَم) در جمله پایانی (فَهُمْ لَا يَتَّقُونَ) است که به (الذین کفروا) در آغاز آیه ارجاع دارد و با اطلاعی نو هدف از مثل‌آوری را وضوح می‌بخشد؛ ضمن آنکه فرایند ذهنی (لَا يَتَّقُونَ) نیز در هم‌آیی با صفات کافران جانشین (صم، بکم، عمی) شده تا مفهوم عدم ادراک آن‌ها از سخنان الهی را تقویت کند.

۹.۱.۳. در آیه ۱۶ که در توصیف رفتار دوگانه منافقان است، عمل اهل نفاق در بندهای (اشترُوا الضلالةً بالهدی فماریحت تجارتهم) در بیانی استعاری، به تجارته‌ی زبان‌بار مانند شده و این جملات با تمرکز بر لفظ (اشترُوا) و هم‌آیی آن با (ماریحت) و (تجارت) و به سیاق آیات بعد از این در هم‌معنایی با مفهوم کفر آمده است. در همین آیه لفظ (اولئک) علاوه بر نقش ارجاعی‌اش در زنجیره انسجام معنایی، جانشین (مَنْ) در آیه ۸ (و من الناس من يقول امنا بالله و بالیوم الاخر و

⁴ Givenness

ماهیم بمومنین) و (تجارت) نیز جانشین ((اشترُوا الضلالة بالهدی) شده است.

۳.۱.۱۰. آغازگر آیه ۸۶ پیوند انسجامی (اولئک) است که جانشین مفهوم مقدر کافران در توصیفات آیه قبل و موجب پیوستگی دو آیه شده؛ در همین آیه تعبیر استعاری (اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ) جایگزین مفهوم مقدر (الذین کفروا) شده است. کاربست شکل گذشته فرایند (اشترُوا) در این آیه و آیات مشابه نشانگر سرانجام قطعی این گروه از کافران و مقوم مفهوم آیه ۷ است آنجا که خداوند لفظ (خَتَمَ) را در توصیف ضلالت قطعی آنان به کار برده است.

۳.۱.۱۱. در آیه ۱۰۸ ضمن یادآوری رفتار بنی اسرائیل با موسی (ع)، سرپیچی از دستورات الهی عامل تبدیل ایمان به کفر معرفی شده و این موضوع معادل معنایی (ضلاً سواء السبیل) قرار داده شده است؛ به عبارت دیگر جمله‌واره (مَنْ يَبْدُلُ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ) جانشین (أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ) در بندهای (أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ) یعنی طرح درخواست‌های ناروا از پیامبر (ص) شده تا مبین مشابهت رفتاری این گروه از مسلمانان با کافران بنی اسرائیل باشد. این مقایسه در عین حال موجب انسجام برون‌متنی و نیز افزایش دلالت معنایی کفر شده؛ چنانکه جمله (کما سئل موسی) با رعایت اقتصاد زبانی جانشین بیان مفصل آیه ۶۱ در باب درخواست بنی اسرائیل است.

۳.۱.۱۲. در آیه ۱۷۴ پیوند انسجامی (أولئک) جانشین بندهای (الذین یکتُمونَ ما أنزلَ اللهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا) شده که در اشاره به کفرورزی کافران اهل کتاب به قرآن است. در این آیه تعبیر استعاری (يَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا) مفهوم‌سازی عینی و محسوس فرایند این گروه در کتمان آیات الهی است؛ همچنان که تعبیر استعاری (مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يَكَلِّمُهُمُ اللَّهُ) با القاء این معنا که عدم هم‌کلامی خداوند با آنان نیز عذابی چون آتش است، علاوه بر انسجام معنایی آیه دامنه مفهومی عذاب را در سطح دلالتی آیه می‌گستراند.

۳.۱.۱۳. در آیه ۱۷۵ اولئک در آغاز آیه جانشین الذین یکتُمونَ ما أنزلَ اللهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا) در آیه ۱۷۴ شده و همین موضوع انسجام معنایی دو آیه را سبب شده است. طباطبایی این آیه و آیه ۱۷۵ را تعریضی به اهل کتاب می‌داند و می‌نویسد: "آیه شریفه دلالتی بر تجسّم اعمال و تحقق نتایج آن دارد" (۱۴۱۷، ۱/۶۴۵) او در توضیح این معنا می‌افزاید که ثمن اندک - که عبارت است از خوردن آتش و فروبردن آن در شکم - در این آیه به همراه کتمان، به ضلالت در آیه دوم و آن نیز به عذاب در همان جا بدل شده است (همان: ۶۴۶).

۲.۳. جانشین‌های اسمی

۳.۲.۱. موضوع آیه ۸۹ اشاره دیگری به رفتار گزینشی کافران اهل کتاب در ایمان به کتاب‌های آسمانی است. در این آیه پیوند انسجامی و مکرر (ما) عنصر اصلی انسجام درون‌متنی آیه است بدین‌گونه که در (لِمَا مَعَهُمْ) به قرینه (كانُوا مِنْ قَبْلُ) جانشین تورات و انجیل و در (فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا) به قیاس ذکر (کتاب) در بند آغازین آیه جانشین لفظ کتاب شده است، تقابل ایجاد شده مبین آن است که منظور از لفظ کتاب همان قرآن است که به قرائن برون‌متنی عامل انسجام معنایی آیه با آیات قبل و بعد آن است؛ تکرار (کفروا) نیز در فرایند فعلی کافران اهل کتاب و کافران بنی اسرائیل نشانه هم‌معنایی کفر به قرآن و کفر به تورات است.

۳.۲.۲. در آیه ۹۱ - که در بند آغازین آن پیوند ارجاعی (هُم) در (لهم) به کافران اهل کتاب در آیات پیشین

بازمی‌گردد-مضمون آیه به موضوع محوری سوره بقره یعنی ایمان به کتاب‌های آسمانی و جریان واحد نبوت اشاره دارد. در اینجا عنصر انسجامی و مکرر (ما) ضمن آنکه در نقش ارجاعی خود، به تناوب دوبار به قرآن و دوبار نیز به کتاب‌های پیشین و به‌طور خاص تورات - که در آیه اشاره صریحی به هیچکدام نشده است - بازگشته، جانشین قرآن در (بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ) و (يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ) و جانشین تورات در (بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا) و (لِمَا مَعَهُمْ) شده است.

۳.۲.۳. در آیه ۹۲ گفتمان خداوند با اهل کتاب با استفاده از تعابیر بیانی و در نوع خاص مجاز صورت بسته است؛ چنانکه تعبیر مجازی (بَيِّنَاتٍ) در تقابل با (اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ)، جانشین تورات شده؛ از این رو (ظالمون) نیز به قرائن فرامتنی هم‌معنای کافرون واقع شده است. در این آیه علاوه بر پیوند ارجاعی (كُم) که موجب انسجام معنایی با آیه قبل شده، حذف فاصله زمانی در (وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَى) تعبیری از مشابهت رفتاری و کفر اهل کتاب با اسلاف آنان است که در عین حال دلالت معنایی کفر را در این باره می‌افزاید.

۴.۲.۳. در آیه ۹۹ انسجام معنایی در دو نوع درون و برون‌متنی دیده می‌شود؛ با این توضیح که عنصر ارجاعی (ها) که به (آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ) رجوع دارد عامل انسجام درون‌متنی آیه شده و ترکیب وصفی (آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ) به قرینه (وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ) و نیز به سیاق آیه ۹۷ جانشین (قرآن) و موجب انسجام برون‌متنی شده است. ضمن آنکه ذکر لفظ (فاسقون) و کاربست حصر در بند پایانی آیه: (وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ) اطلاع تازه‌ای در هم‌معنایی کفر و فسق و موجب گسترش مفهومی آن است.

۵.۲.۳. در آیه ۱۶۲ حذف مبتدا در آغاز آیه موجب پیوستگی معنای آیه با دو آیه قبل شده؛ ضمن آنکه (خالدین) با در نظر گرفتن فعل ناقصه مقدر (یکونوا) و به‌قرینه فرایندهای (لَا يَخْفَى) و (وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ) اطلاع تازه‌ای را درباره کافران که در آیه قبل: (إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ) وارد کرده است. در این آیه پیوند ارجاعی (ها) در (فیها) به (لعنة) در آیات ۱۶۱ و ۱۵۹ بازگشت دارد که به‌قرینه الفاظ (عذاب) و (خالدین) می‌تواند تعبیری جایگزین برای (دوزخ/نار) باشد که کافران در آن جاودانند؛ جمله (وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ) [نگریسته نمی‌شوند] نیز در هم‌معنایی با (لعن) تعبیر دیگری از عذاب است که علاوه بر انسجام معنایی آیات مذکور سطح دلالتی لفظ عذاب را نیز گسترش داده است.

۶.۲.۳. در آیه ۹۰ نیز خداوند از لفظ استعاری (اشْتَرَوْا) در مفهوم‌سازی نافرمانی و کفر کافران اهل کتاب استفاده کرده است. در اینجا بند (أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا) در هم‌معنایی (بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ) آمده تا این تعبیر استعاری را درباره کافران و تعامل سوء آن‌ها با جریان دعوت الهی وضوح بخشد؛ علاوه بر آن، ترکیب وصفی (عَذَابٌ مُهِينٌ) نیز در معنای عذابی خوارکننده جانشین (عَصَبٍ عَلَى عَصَبٍ) شده تا دشواری و شدت غضب الهی را معلوم سازد؛ لفظ (کافرون) نیز در انتهای آیه در هم‌معنایی با (يَكْفُرُوا) معنای کفر را در تعبیر استعاری معامله سوء کافران تقویت می‌کند.

۷.۲.۳. در آیه ۱۴۶ که در توصیف رویکرد منافقانه کافران اهل کتاب با قرآن و پیامبر اسلام (ص) است، لفظ (الکتاب) در راستای انسجام معنایی و برون‌متنی آیه، جانشین لفظ مقدر قرآن شده و این معنا توسط عامل ارجاعی (ه) در (يعرفونه) تقویت شده است. در بند پایانی آیه نیز لفظ (الحَقُّ) در جانشینی کتاب (قرآن) به کار رفته تا تأکیدی معنایی بر حَقَانِيَّتِ آیات الهی قرآن باشد. در این آیه فعل (یکتمون) در هم‌معنایی با فعل مقدر (یکفرون) و در تناسب معنایی با آن واقع شده؛ علاوه بر آن عنصر ارجاعی (الذین) در آغاز آیه و نیز عنصر ارجاعی (هُمْ) و تکرار ۴ باره آن در سراسر آیه جایگزین کافران اهل کتاب شده که همگی این عوامل مبین انکار آگاهانه حَقَانِيَّتِ قرآن از سوی آنان است. غلبه پیوندهای برون‌متنی

انسجام در این آیه موجب تقویت این موضوع در سطح سوره شده است.

۳.۳. جانشین‌های جمله‌ای/اسمی

۳.۳.۱. در آیه ۱۵۹ (يَكْتُمُونَ) به‌عنوان فرایند کافرانِ اهل کتاب هم‌معنای لفظ مقدر (یکفرون) آمده؛ عامل انسجامی در این باره از نوع برون‌متنی و به‌قیاس آیاتی مشابه با این مضمون است که ذکرشان گذشت. الفاظ (بیتات و هدی) نیز جانشین لفظ مقدر (قرآن) شده که مبین محتوای قرآن و جنبه هدایتگری آن است و (اولئک) در (أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ) جانشین (الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى) شده که در عین حال ارتباط معنایی (کتمان) و (لعن) را در رفتار تقابلی کافران اهل کتاب و خداوند صراحت می‌بخشد. در این آیه وجود عناصر انسجامی چون تکرار فرایند مادی-گفتاری (يَلْعَنُهُمُ) به‌همراه اسم عام (اللَّاعِنُونَ) و به‌مدد پیوند ربطی (واو) مبین لعنتی گسترده، فراگیر و بی‌پایان از سوی خداوند برای آنان است.

۳.۳.۲. عوامل انسجام‌بخشی در آیه ۲۷ عبارت است از: پیوند ارجاعی (الذین) که جانشین (الفاسقین) در آیه ۲۶ و موجب انسجام برون‌متنی دو آیه شده و بنا بر سیاق آیات به کافران اهل کتاب باز می‌گردد و دیگر پیوند انسجامی (اولئک) که به‌جهت اقتصاد کلامی جانشین مفهوم مقدر کافران در بندهای (الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ) شده تا مبین شاخص‌های کفر کافران اهل کتاب در فرایندهای (ینقضون)، (یقطعون) و (یفسدون) باشد و علاوه بر آن در بند پایانی آیه اطلاع تازه‌ای را درباره زیانکاری و خسران کافران در بند (أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ) به مخاطبان برساند.

۳.۴. جانشین‌های جمله‌ای/فعلی

۳.۴.۱. خداوند در آیه ۸۵ رویکرد گزینشی و دلخواهانه بنی اسرائیل در توجه به اوامر و نواهی الهی-که پیش از این در آیه ۸۳ و ۸۴ به‌ترتیب به آن‌ها اشاره شده را نکوهش می‌کند. در این آیه سلسله‌ای از پیوندهای جانیشینی به‌چشم می‌خورد چنانکه پیوند انسجامی (ذلک) با رعایت اقتصاد زبانی جانشین بندهای (أَفْتُوهُمْ بِنِعْمَةِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَلِئِنْ لَمْ يَأْتُواكُمْ بِبَيِّنَاتٍ مِنْ رَبِّكُمْ لَأُولَئِكَ يَكْفُرُونَ) می‌باشد. در این آیه به کافران بنی اسرائیل نسبت داده چون: (تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ ديارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تَفَادَوْهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ). پیوند انسجامی (ما) نیز در بند پایانی (عَمَّا تَعْمَلُونَ) علاوه بر رابطه شمول معنایی با فرایندهای مذکور، جانشین همه آن‌ها شده است.

۳.۵. جانشین‌های اسمی/فعلی

۳.۵.۱. در آیه ۱۳۰ هم‌آبی عبارات (مَنْ يَرْغَبُ عَنْ) و (مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ) دلالت معنایی را در بندهای (وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِيْمَانًا سَفِهَ نَفْسَهُ) افزایش داده است. در این بخش از آیه فرایند فعلی (يَرْغَبُ عَنْ) جانشین فرایند مقدر (يَكْفُرُ بِهِ) شده، ضمن آنکه عبارت (مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ) نیز جانشین لفظ مقدر (اسلام) شده است و به‌نوعی ارجاع به مابعد خود در آیات ۱۳۱-۱۳۳ و ۱۳۶ دارد که در آن‌ها مشتقاتی از مصدر اسلام چون أسلم، أسلمت، و تکرار ۳ باره مسلمون دیده می‌شود.

۳.۶. جانشین‌های جمله‌ای / اسمی / فعلی

۳.۶.۱. برجسته‌ترین عنصر انسجامی در آیه ۲۵۷ پیوند تقابلی کفر و ایمان است. در اینجا (يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) جانشین فعل مقدر (بیهیدیم) شده ضمن آنکه لفظ (النُّور) به سبب دلالت معنایی در فرایند الهی (يُخْرِجُ) و نیز استعاره‌های جهتی (مِن / إِلَى) در همین بند جانشین اسم مقدر (هدایت) است؛ همچنان که (يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ) نیز جانشین فعل مقدر (يُضِلُّونَهُمْ) شده و تعبیر استعاری (ظلمات) نیز با توجه به قرآنی چون: دلالت معنایی در محور هم‌نشینی، صورت جمع الفاظ (أُولِيَاءَ) و (يُخْرِجُونَ) و نیز تکرار استعاره‌های جهتی (مِن / إِلَى)، جانشین لفظ مقدر (ضلالت) شده است، علاوه بر آن پیوند انسجامی اولئک نیز جانشین (الَّذِينَ كَفَرُوا) و در هم‌معنایی با (أَصْحَابِ النَّارِ) واقع شده است.

۳.۶.۲. ساختار انسجامی در آیه ۶۱ - که در آن خداوند بهانه‌جویی‌های بنی اسرائیل و لجاج آنان با موسی (ع) در برابر نعمت‌های خداوند را دلیل کفرشان اعلام کرده - حاصل مجموعه‌ای از پیوندهای جانشینی است. با این توضیح که در این آیه (الذی) در (الذی هُوَ أَذْنَى) و (ما) در (مَا سَأَلْتُمْ) جانشین (مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ) شده که در پیوندی شمول معنای جزء و کل با (مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَآئِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا) واقع شده و الذی در (الذی هُوَ خَيْرٌ) جانشین اسمی (طَعَامٍ وَاحِدٍ) شده است؛ ضمن آنکه (عَصَبٍ) در جمله (بَاءُوا بِعَصَبٍ مِنَ اللَّهِ) نیز جانشین شمول معنای (الدِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ) در بند (وَصُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ) شده است؛ علاوه بر آن لفظ (ذلک) در دو رابطه علی-معلولی، به دلایلی چون: کفرورزی و قتل پیامبران الهی و نیز عصیان و تعدی آنان در بندهای (يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ) دوبار جانشین (بَاءُوا بِعَصَبٍ مِنَ اللَّهِ) شده؛ فرایندهای فعلی (عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ) نیز در پیوندی شمول معنای جانشین (يَكْفُرُونَ) و (يَقْتُلُونَ) شده است. تکرار (ذلک) در هر بار، اطلاع نویی را به معنای آیه وارد کرده تا چرایی گرفتاری آنان را به عذاب الهی تبیین نماید. لازم به ذکر است که کاربرد مکرر (ذلک)، به عنوان ضمیر اشاره به دور، بر فاصله‌گذاری زمانی این دو رویداد (اهل کتاب در زمان حاضر و گذشته) تاکید دارد.

پیوندهای جانشینی جمله‌ای

ردیف	جانشین	جانشین شده	آیه
۱	وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي	وَلَا تَكُونُوا أَوْلَ كَافِرِيه	۴۱
۲	اولئک	الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا	۳۹
۳	کافرین	مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ	۹۸
۴	کافرین	همه کسانی که پیامبر را "راعنا" خطاب کنند چه مسلمانان و چه یهودیان	۱۰۴
۵	أُولَئِكَ	الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ	۱۲۱
۶	أُولَئِكَ	مَنْ يَكْفُرْ	۱۲۱
۷	اولئک	إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَرًا	۱۶۱
۸	صم، بکم، عمی	ابعاد گوناگون مفهوم کفر در: <u>مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَدْعُو بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءَ وَنِدَاءَ</u>	۱۷۱
۹	اولئک(۱۶)	مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَهُمْ بِمُؤْمِنِينَ (۸)	۱۶

۱۰	کافرین (۱۹)	مَنْ يَقُولُ امْنًا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَهُوَ كَافِرٌ بِمَا يَدَّعِي (۸)	۱۹
۱۱	ذلک	أَفْتُوهُمْ بِنَبَأِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضِ	۸۵
۱۲	اشترؤا الحیاة الدنیا	اعمال بنی اسرائیل در آیه	۸۶
۱۳	(ما) در (عَمَّا تَعْمَلُونَ)	تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَى تَفَادَوْهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفْتُوهُمْ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضِ	۸۵
۱۴	اولئک	بنی اسرائیل و کافران اهل کتاب در آیات	۸۶
۱۵	مَنْ يَتَّبِعْ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ	أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَى مِنْ قَبْلُ	۱۰۸
۱۶	اولئک	الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ	۲۷
۱۷	أُولَئِكَ	الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَسْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا	۱۷۴
۱۸	أُولَئِكَ	الَّذِينَ كَفَرُوا	۲۵۷
۱۹	(الذی) در (الذی هُوَ أَذْنَى)	مِمَّا تُثِيبُ الْأَرْضُ	۶۱
۲۰	(ما) در (مَا سَأَلْتُمْ)	مِمَّا تُثِيبُ الْأَرْضُ	۶۱
۲۱	عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ	يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ	۶۱
۲۲	اولئک	الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى	۱۵۹
۲۳	تجارت	اشترؤا الضلالة بالهدی	۱۶
۲۴	اولئک	الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَسْتُرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا (۱۷۴)	۱۷۵

پیوندهای جاننشینی اسمی

ردیف	جانشین	جانشین شده	آیه
۱	ما در (لِمَا تَعْمَلُونَ)	تورات و انجیل	۸۹
۲	ما در (مَاعَرَفُوا)	کتاب (قرآن)	۸۹
۳	ما در (بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ) و (يَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ)	قرآن	۹۱
۴	ما (بِمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا) و (لِمَا تَعْمَلُونَ)	تورات	۹۱
۵	بَيِّنَاتٍ	تورات	۹۲
۶	آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ	قرآن	۹۹
۷	لعنة	دوزخ / نار	۱۶۲
۸	عَذَابٍ مُهِينٍ	غَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ	۹۰
۹	نور	لفظ مقدر هدایت	۲۵۷
۱۰	ظلمات	لفظ مقدر ضلالت	۲۵۷
۱۱	الذی در (الذی هُوَ خَيْرٌ)	طعام واحد	۶۱
۱۲	غَضَبٍ در (بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ)	الدِّكَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ	۶۱
۱۳	ذلک (دوبار)	بَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ	۶۱
۱۴	بیّنات و هدی	قرآن	۱۵۹
۱۵	مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ	اسلام	۱۳۰
۱۶	الکتاب	قرآن	۱۴۶
۱۶	الحقّ	قرآن	۱۴۶
۱۷	الذین (۲۷)	(الفاسقین) در آیه (۲۶)	۲۷

۱۸	إِتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ	لفظ مقدر شرک	۹۲
----	-------------------------	--------------	----

پیوندهای جانشینی فعلی

آیه	جانشین شده	جانشین	ردیف
۱۳۰	فرايند مقدر (يَكْفُرُ بِهِ)	يَزَعُّ عَنْ	۱
۶۱	(يَكْفُرُونَ) و (يَقْتُلُونَ)	عَصَا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ	۲
۸۵	تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرَجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ ديارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ	(تُؤْمِنُونَ) و (تَكْفُرُونَ)	۳
۲۵۷	فعل مقدر يَهْدِيهِمْ	يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ	۴
۲۵۷	فعل مقدر يُضِلُّونَهُمْ	يُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ	۵

۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تکیه بر موضوع محوری سوره بقره که بحث ایمان یکسان به مجموعه جریان نبوت و کتاب‌های آسمانی است با استفاده از الگوی انسجامی هالیدی به بررسی پیوندهای جانشینی در آیاتی از سوره با محوریت موضوعی-مفهومی کفر پرداخته تا دامنه این مفهوم را در گفتمان توصیفی خداوند از کافران بازکاوی و تبیین نماید. در این آیات ۳ گروه کافران، منافقان و کافران اهل کتاب در مواجهه با جریان واحد نبوت سنجدیده و توصیف شده‌اند. در این میان منافقان و کافران اهل کتاب به سبب رویکردهای نادرستشان در برابر دعوت الهی اسلام در گروه کافران جای گرفته‌اند. ذکر کافران اهل کتاب اغلب با یادکرد بنی اسرائیل همراه است که نشانگر مشابهت رفتاری این دو در برابر فرامین الهی است.

در این آیات پیوندهای جانشینی در انواعی از جمله‌ای، اسمی و فعلی وجود دارد که گاه به تنهایی و گاه در ترکیب با انواع دیگر دیده می‌شود که در مجموع بیشتر پیوندهای جانشینی از نوع جمله و کمترین آن از نوع فعلی است. بخشی از گره‌های انسجامی جانشینی، درون‌متنی و بخش قابل توجهی برون‌متنی است؛ چنانکه گره‌های جانشینی در آیات ۱۶ و ۱۹ در زنجیره‌ای از دلالت‌های لفظی-معنایی به "مَنْ" (منافقان) در آیه ۸؛ در آیه ۲۴ به ایها الناس در آیه ۲۱؛ در آیات ۴۱ و ۴۲ به بنی اسرائیل در آیه ۴۰؛ در آیه ۶۱ به بنی اسرائیل در آیه ۴۷ و در آیات ۸۵ تا ۹۹ به بنی اسرائیل در آیه ۸۳ و در آیه ۲۷ به فاسقین در آیه ۲۶ پیوند خورده است؛ این گره‌های انسجامی پردامنه با وجود پراکندگی آیات در گستره وسیعی از سوره بقره موجب نزدیکی دلالت‌های معنایی آیات به یکدیگر و در نتیجه گسترش سطح پیوستگی و انسجام معنایی آن‌ها شده است.

پژوهش همچنین نشان می‌دهد بررسی پیوندهای جانشینی در چارچوب نظریه انسجامی هالیدی عامل موثری در ترسیم سیمای کافران و مفهوم‌سازی از کفر آن‌ها بوده و موجب شده تصویر واضح و یکپارچه‌ای از رویکرد تعاملی آن‌ها در برابر دعوت الهی اسلام در گفتمان قرآن شکل بگیرد. موضوعی که نشان می‌دهد بخش مهمی از دلالت معنایی کفر در این سوره در برخورد گزینشی با جریان نبوت و کتاب‌های آسمانی و بدعت‌گذاری در توجه به اوامر و نواهی الهی است موضوعی که باعث شده تا لفظ کافرین/کافرون به کرات و با اطلاق یکسان و واحدی درباره کافران، منافقان و کافران اهل کتاب و حتی سرپیچی‌کنندگانی از اهل ایمان به کار رود و نشان دهد از نظر خداوند هر گونه انکار، سرپیچی و نافرمانی و بدعت و نادیده‌انگاری سخنان الهی، انسان را به وادی هلاکت و لغزش کشانده و در زمره کافران قرار می‌دهد.

۵. منابع

قرآن کریم

منابع فارسی

کتاب:

۱. ایزوتسو، توشیهیکو (۱۳۶۱)، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 ۲. تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲)، بوطیقای ساختارگرا، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگه.
 ۳. الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۹۹ق)، الصّاح تاج الّغة و صحاح العربیة، تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۴. راسخ مهند، محمد (۱۴۰۳)، مکاتب زبان‌شناسی، چهارم، تهران: آگه.
 ۵. سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۹۷)، قدرت، گفتمان و زبان، ششم، تهران: نی.
 ۶. سیاح، احمد (۱۳۷۰)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، چهاردهم، تهران: اسلام.
 ۷. شعیری، حمیدرضا، محمودی بختیاری، بهروز و سبزواری، مهدی (۱۴۰۲)، فرهنگ توضیحی جهان نشانه و معنا، تهران: لوگوس.
 ۸. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
 ۹. فرکلاف، نورمن (۱۳۹۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه روح‌الله قاسمی، دوم، تهران: اندیشه احسان.
 ۱۰. گروم، نیکلاس و مور، لیتل (۱۳۹۳)، زبان‌شناسی کاربردی، ترجمه نگار داوری اردکانی و هاجر آقابراهیمی، تهران: علمی و فرهنگی.
 ۱۱. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت، دارالوفا.
 ۱۲. مصطفوی، حسن (۱۳۹۳ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، طهران: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی
 ۱۳. نیازی، شهریار و قاسمی اصل زینب (۱۳۹۷)، تحلیل زبان‌شناختی متون عربی (با تکیه بر دستور نقش‌گرای هلیدی)، دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 ۱۴. هلیدی مایکل و حسن، رقیه (۱۳۹۵)، زبان، بافت و متن، ترجمه مجتبی منشی‌زاده و طاهره ایشانی، دوم، تهران: علمی.
 ۱۵. هموند، زکی (۱۴۰۰)، مکاتب نوین زبان‌شناسی، ترجمه سهند الهامی، تهران: مرکز.
 ۱۶. هوپ، جانان‌تان و رایت، لارا (۱۳۹۵)، سبک‌شناسی کاربردی، ترجمه سیدمحمدباقر برقی مدرس، تهران: علمی و فرهنگی.
 ۱۷. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۹۵)، تجزیه و تحلیل مقابله‌ای گفتمان‌شناختی زبان فارسی و انگلیسی در چارچوب زبان‌شناسی انتقادی، تهران: هرمس.
- مقاله:**
۱۸. آذرنوش، آدرتاش، قاسم‌احمد، مریم (۱۳۹۱)، "بررسی زبان‌شناختی واژه قرآنی کفر"، ادب عربی، شماره ۳، سال ۴، صص ۱-۱۶.

۱۹. سجادی، سیدابوالفضل، سیف، مهدی، اناری بزچلوئی، ابراهیم و امیدعلی، احمد (۱۴۰۲)، "بررسی کارکرد ابزار زبانی جانیشینی در سوره مبارکه «النحل» از دیدگاه نظریه انسجام متن مایکل هالییدی و رقیه حسن"، فصلنامه علمی لسان مبین (پژوهش ادب عربی)، سال پانزدهم، دوره جدید، شماره پنجاه و چهارم، ۱۳۱-۱۱۳/۱۱۱.

۲۰. صفوی، کورش (۱۳۸۲)، "بحثی پیرامون زبان و فرهنگ و شیوه مطالعه آن از دیدگاه زبان‌شناسی" فصلنامه فرهنگی مردم ایران، سازمان صدا و سیما، شماره ۱، صص ۲۹-۳۷.

منابع عربی

کتاب:

۲۱. بوقرة، نعمان (۲۰۰۹)، المصطلحات الأساسية فی لسانیات النص و تحلیل الخطاب (دراسة معجمية)، الطبعة الأولى، عمان: جدارا للكتاب العالمی.

۲۲. خطابي، محمد (۱۹۹۱)، لسانیات النص (مدخل إلى انسجام الخطاب)، الطبعة الأولى، بیروت: المركز الثقافی العربی.

مقاله:

۲۳. عاصم شهادة، علی (۲۰۰۹)، "مظاهر الاتساق و الانسجام فی تحلیل الخطاب: الخطاب النبوی فی رقائق صحیح البخاری نموذجاً"، العلوم الانسانية و الاجتماعية، المجلد ۳۶، العدد ۲، صص ۳۶۰-۳۷۹.

۲۴. هالییدی، مایکل و حسن، رقیه (۲۰۱۱)، "مفهوم الاتساق"، أ. بلحوت شریفة، جامعه تیزیوزو، مجلة الخطاب، العدد ۹، صص ۲۱۰-۲۲۷.